

نقش قرآن در تربیت انسان

«یا ایها الناس قد جائتکم موعظه من ربکم و شفاء لما فی الصدور و هدی و رحمه للمؤمنین»^(۱)

■ نقش قرآن در تربیت

نقش قرآن چون در این عالم نشست
نقش های کاهن و نساپاک شکست
فانش گسویم: آنچه در دل مضمهر است
این کتابی نیست، چیز دیگر است
چون به جان در رفت، جان دیگر شود
جان چو دیگر شد، جهان دیگر شود^(۲)
قرآن کریم کلام بی نظیر خداوند است،
و در بین این همه موجودات مخاطب او
انسان است، انسانی که دارای روحی الهی
است، دارای قلبی برای فهمیدن و دلی برای
ادراک کردن، در اعتبار و ارزش قرآن، همین
بس که سخن بی مانند خداست و در اعتبار و
ارزش انسان همین بس که هم سخن و

مخاطب خداوند برای وحی انسان است.
قرآن به عنوان یک کتاب آسمانی و
کاملاً غیر بشری و نازل شده می‌عندالله و
از جهان غیب بر هر کس که قرائت سود یا
هر کس که قرائت کند به شدت تحت تأثیر
کلمات معنوی آن قرار می‌گیرد، هیچ گاه از
خواندن آن خستگی و ملالت حاصل نمی
آید بلکه هر لحظه آدمی را که صاحب دلی
پذیرا و قلبی صاف باشد، به سوی خود می
کشاند و در واقع صاحب جاذبه ای قوی و
نیرومند است این است که هر کس به سمت
آن می رود، به گونه ای از آن تأثیر گرفته و
لاجرم نمی تواند این تأثیر را پنهان کند.
در طول تاریخ به حوادث سنگت انگیز و
مسنندی برخورد می کنیم که از یک سو
بیانگر نفوذ عظیم قرآن در قلوب تشوندگان
حتی بیگانگان از اسلام و از سوی دیگر
دلیل روشن بر عجز مخالفان از مقابله به

مثل می باشد. بررسی این حوادث تاریخی
مسائل زیادی را به انسان می آموزد که به
نمونه هایی از آن در این نوشتار اشاره شده
است.^(۳)

■ سیره و روش برخی از دانشمندان اسلامی: مرحوم فیض کاسانی:

مرحوم فیض کاسانی در کتاب برزسمند
المحجة البیضاء از قول یکی از حکیمان
چنین می گوید:
یکی از حکیمان می گوید که ابتدا قرآن
را می خواندم و لذتی نمی بردم، چندی بعد
که آن را می خواندم چنان بود که تویی آن را
از رسول اکرم صلی الله علیه و آله می سوم
که بر اصحابش می خواند بالاتر رفتم و آن
را از جبرئیل شنیدم که بر پیامبر می خواند.
از آن هم بالاتر رفتم و اینک آن را از

خود خداوند می شنوم و لذتی می برم و تنعمی دارم که نمی توانم از آن بگذرم.^(۴)

مرحوم اقبال لاهوری:

مرحوم اقبال لاهوری در اواخر زندگی اش، دچار ضعف و بیماری چشم شده بود و از معالجه نیز محروم مانده بود. تنها مونسش قرآن بود او با همان اندک بینایی به قرآن می نگریست و با لذتی سرشار از ایمان آیات را قرائت می کرد. و می گفت: پدرم به من توصیه کرده است که فرزندم هر گاه قرآن می خوانی، چنان بخوان که گویی خداوند آن را به تو نازل کرده است.^(۵)

چون که از قرآن حق بگریختی

با روان انسبیاء امیختی

هست قرآن حال های انبیاء

ماهیان بحر پاک کبریا

ور بخوانی ورنه ای قرآن پذیر

انبیاء و اولیاء را دیده گیر

ور پذیرایی جو برخوانی قصص

مرغ جانن تنگ آید در قفس

مرغ کز اندر قفس زندانی است

می نجوید رستن از نادانی است

روح هایی کز قفس هارسته اند

انبیای رهبر شایسته اند^(۶)

سیره مرحوم حضرت امام خمینی ره:

نکته برجسته‌ای که در سیره اخلاقی و تربیتی آن رهبر بزرگوار به صورت ممتاز و قابل تحسین وجود دارد این است که ایشان علی رغم مشغولیت در نقطه ثقل مبارزات سیاسی و اجتماعی، هرگز از اذکار و نوافل و زیارت غافل نبودند و در انجام دادن آنها دقیق به نظم و ترتیب خاصی بودند.

اینکه به نمونه‌هایی از آن اشاره می کنیم: یکی از نزدیکان مرحوم امام می گویند: امام روزانه چندین نوبت قرآن می خواندند. با همان صدای ملکوتی که داشت، ایشان در هر فرصت و مناسبی که پیش می آمد، قرآن می خواندند. معمولاً بعد از نماز صبح، قبل از نماز ظهر و عصر، مغرب و عشاء یا در هر فرصت دیگر مفید به این مستحب الهی بودند و ما بارها که در ضمن روز خدمت ایشان می رسیدیم، امام را مشغول خواندن قرآن می یافتیم.

یکی از همراهان امام در نجف اشرف درباره ایشان اظهار می کردند که:

ایشان هر روز ده جزء قرآن در ماه رمضان می خواندند، یعنی هر سه روز یک دوره قرآن می خواندند. برخی از برادران خوشحال بودند که دو دوره قرآن خوانده اند ولی بعد می فهمیدند که امام ده یا یازده دوره قرآن را خوانده اند.^(۷)

حکایت‌هایی درباره نقش تربیتی قرآن:

حکایتی از اصمعی:^(۸)

زمخشری در تفسیر کشاف از اصمعی نقل می کند که از مسجد بصره بیرون آمدم ناگهان چشمم به یک عرب بیابانی افتاد که بر مرکبش سوار بود. وقتی با من روبرو شد گفت: از کدام قبیله ای؟! گفتم از بنی اصمعی گفت از کجا می آیی؟ گفتم: از آنجا که سخن خداوند رحمان (قرآن) را می خوانند گفت برای من هم بخوان!

من آیاتی از سوره و انذاریات را برای او تلاوت کردم تا به آیه «و فی السماء رزقکم و ما توعدون»^(۹) رسیدم گفت: کافی است! و برخاست و شتری که با خود داشت قربانی کرد. و گوشت آن را در میان نیازمندان تقسیم نمود، شمشیر و کمانش را نیز شکست و کنار انداخت و رفت این داستان گذشت. تا اینکه من (اصمعی) با هارون الرشید به زیارت خانه خدا می رفتم و مشغول طواف بودیم ناگهان دیدیم کسی با صدای آهسته مرا فرا خواند نگاه کردم دیدم همان مرد عرب است، لاغر شده و رنگ از صورتش پریده است پیدا بود که عشق آتشین بر او چیره گشته و او را بی قرار ساخته است وقتی مرا دید سلام کرد و گفت: بار دیگر همان سوره ذاریات را برایم بخوان! هنگامی که به همان آیه رسیدم فریادی زد و گفت: ما وعده خدای خود را به خوبی باقی می گذاریم، ای پسر! در این هم آیه ای هست من آیه بعد را خواندم: «و ربنا انزلنا فی القرآن آیه الیوم»^(۱۰) بار دیگر فریادی زد و گفت: «یا سبحان الله من ذالذی اغضب الیلیل حتی الجبوه الی الیوم»^(۱۱)

یعنی راستی عجیب است، چه کسی خداوند جلیل را به خشم آورده که این گونه

سوگند یاد می کند آیا سخن او را باور نکردند که ناچار از قسم شده این جمله را سه بار تکرار کرد و بر زمین افتاد و مرغ روحش به سوی آشیان ملکوت پرواز کشید.

حکایت پیامبر (ص) با مرد عرب:^(۱۲)

در حدیثی آمده مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد: گفت از آنچه خداوند به تو یاد داده به من بیاموز، پیامبر صلی الله علیه و آله سوره زلزال را برای او خواند. تا به این آیه شریفه رسید «فمن یعمل مثقال ذره خیرا یره»

کسی که ذره ای کار نیک یا بد را انجام دهد آن را می بیند.

او گفت: همین آیه یا همین سوره مرا کفایت می کند، پیامبر صلی الله علیه و آله درباره او فرمودند: او را به حال خودش واگذارید رجوع فقیها او فقیه شد و بازگشت. حکایتی از سید قطب:^(۱۳)

در تفسیر فی ظلال در ذیل آیه ۳۸ سوره یونس «أم یقولون افتریه قل فاتوا بسورة مثله» ماجرای عجیبی از زندگی خود نقل می کند او می گوید:

من از حوادثی که برای دیگران واقع شد. سخنی نمی گویم، تنها حادثه‌ای را بیان می کنم که برای خود من اتفاق افتاد و شش نفر ناظر آن بودند، ما شش نفر مسلمان بودیم که با یک کشتی مصری، روز جمعه به این فکر افتادیم که نماز جمعه را در قلب اقیانوس و بر روی کشتی برپا داریم، و علاوه بر اقامه فریضه مذهبی مایل بودیم یک حماسه اسلامی در مقابل یک مبلغ مسیحی که در داخل کشتی نیز دست از برنامه های تبلیغاتی خود بر نمی داشت بیافرینیم به خصوص اینکه او مایل بود حتی ما را به مسیحیت تبدیل کند!

ناخدای کشتی که یک نفر انگلیسی بود موافقت کرد نماز جمعه را در عرشه کشتی به جا آوریم و به کنار کنار کشتی که همه از مسلمانان آفریقا بودند نیز اجازه داده شد که با ما نماز بخوانند و آنها از این جریان بسیار خوشحال شدند، زیرا نخستین بار بود که نماز جمعه در برابر آنان بر عرشه کشتی انجام گرفت من (سید قطب) به خواندن خطبه نماز جمعه، و سپس اقامت نماز پرداختم و جالب اینکه مسافران غیر مسلمان، اطراف ما حلقه

زده بودند. و با دقت انجام این تریضه، مذهبی را می نگریستند پس از پایان نماز، گروه زیادی از آنها نزد ما آمدند و این موفقیت را تبریک گفتند. در میان این گروه خاندانی بود که بعداً فهمیدیم پدر زن مسیحی اهل بوگسلاوی است که از جهنم برتو و کدورتیست و بر اثر شره امده او شراب العاده تحت تأثیر نماز ما قرار گرفته بود، به حدی که لشک از چشمانش سرآزبر بود و نمی توانست خود را کنترل کند.

او به زبان انگلیسی ساده و آمیخته با تأثر شدید و خضوع و شوق خاصی سخن می گفت و از جمله سخنانش این بود بگویند بینم کشیش شما با چه لغتی سخن می گفت؟ سرانجام به او گفتم که ما به لغت عربی صحبت می کردیم، ولی او گفت: من هر چند یک کلمه از مطالب شما را نفهمیدم اما به وضوح دیدم که این کلمات آهنگ عجیبی داشت و از این مهم تر چیزی که نظر مرا فوق العاده به خود جلب کرد این بود که در لابلای خطبه امام شما جمله هایی وجود داشت که از بقیه ممتاز بود این جمله ها دارای آهنگ فوق العاده مؤثر و عمیقی بود آن چنانکه لرزه به اندام من می نداشت. گویا اینها مطالب دیگری بود، فکر می کنم هنگامی که امام شما این جمله ها را ادا می کرد، مملو از روح القدس می شد!

کمی فکر کردم و متوجه شدم این جمله ها همان آیات قرآن بود که من در لابلای خطبه و ضمن نماز آنها را می خواندم این جریان ما را تکان داد و متوجه این نکته ساخت که آهنگ مخصوص قرآن آن چنان مؤثر است که حتی بانویی را که یک کلمه از معنای آن را نمی فهمد تحت تأثیر شدید خود قرار می دهد.

حکایت فضیل بن عیاض: (۱۳)

«فضیل بن عیاض» مردی متظاهر به فسق بود، بر سر راه کاروان های تجاری و مسافرتی قرار می گرفت و بازور و تهدید اموال کاروانیان را به غارت می برد، دزدی قهار و چیره دست بود و تمام مردم او را با همان صفاتش می شناختند او که از راه دزدی اموال فراوانی را بدست آورده بود و از وضع مالی مناسبی برخوردار بود، شبی برای دزدی به خانه ای به قصد دستبرد زدن

وارد شد.

صاحب منزل در حال قرآن قرآن بود که فضیل با طرح و نقشه قلبی روی دیوار منزل قرار گرفت. همین که به واسطه وارد خانه شد، قرآن قرآن صاحب منزل توجه اش را جلب نمود.

«الم یان لئیس انما ان تخضع فایهیم لذلک الله» (۱۴)

ایا وقت آن نرسیده است که قلب های کسانی که ایمان آورده اند با یاد خدا خاشع شود.

فضیل بن عیاض با شنیدن این آیه تمام وجودش شعله ور شد و از دیوار پایین آمد و مثل اینکه این آیه بر او نازل شده باشد تحت تأثیر قرار گرفت، سرانجام از عالم حیوانی به عالم انسانی درآمد و در جمع مهاجران حقیقی به سوی خدا قرار گرفت وی با یک تصمیم جدی از تمام گناهان خود توبه کرد و دست از قمار و شراب و شهوت رانی کشید و تا جایی که صاحبان اموال بدست آمده از راه دزدی را می شناخت راضی کرد و اموال را باز گرداند به طوری که امروزه در عرفان او را در زمره زهاد بزرگ به حساب می آورند.

حکایتی از مرحوم محمد تقی جعفری: (۱۵)

مرحوم محمد تقی جعفری در خصوص شرح حال استاد معرفتی خودشان مرحوم شیخ مرتضی طالقانی می فرمایند: استاد ما به من فرمود که من تا چهل سالگی در دهات طالقان چوپانی می کردم روزی در حال چرانیدن گوسفندان، تلاوت آیاتی از قرآن با صدایی بسیار زیبا به گوشم رسید حالم دگرگون شد و گفتم: خدایا عمر من به آخر رسید. و این نامه تو را (قرآن) نخونده و چشم از دنیا خواهم بست!

از بیابان برگشتم و گوسفندان مردم را به خودشان برگرداندم و از اشخاص مطلع و آگاه پرسیدم که من برای درس خواندن به کجا بروم؟ گفتند برو به حوزه علمیه اصفهان....

این مقاله توسط آقای محمد سلیمانی از نیشابور گردآوری و برای مجله ارسال شده است.

■ پایان بخش این مقاله دعای

حضرت سجاد علیه السلام و غزل قرآذیه مرحوم الهی

دعای حضرت سجاد علیه السلام: (۱۶)

«اللهم اجعل القرآن وسیلة لنا الی اشرف منازل الکرامه و سماء نرج فیه الی سماء الابرار»

پروردگارا برای ما قرآن را شریف ترین وسیله منزلت های کرامت و نردبانی که با آن سوی محل سلامت خروج کنیم، قرار ده.

غزل تار آذینه از مرحوم مهذب الهی قهش: (۱۷)

چه خوش است، یک شب بگنسی شو را
به خلوص خواهی ز خدا، خدا را
مگر آشنایی ز ره عنایت

بخرد به خناری که گل بساغ ما را
فسلکا شکستنی دل عشاقشان را
به چه روی بستنی کمر جفا را

چو شکستی این دل مشو ایمن از وی
که بسوزد آهش قلم قضاء را
نه حریف مانی فلکا که یارم

شکند به نازی صف ما سوی را
نه به راه کوی سفری خرد را
نه به باغ حسش گذری صبارا

نه ز دام شوق تو رهد الهی
نه به درد عشقت اثری دوا را

■ ■

پی نوشت ها:

۱. قرآن کریم، سوره مبارکه یونس، آیه ۵۷ و ۵۸.
۲. کلیات دیوان افضل ۷ هجری، ما مقدمه احمد سروش، ص ۳۱۷.
۳. پیام قرآن، حضرت آیت الله مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۱۷.
۴. اوصاف پارسیان، عبدالکریم سروش، ص ۱۸۱، به نقل از الموجه البیضاء، الباب الثالث، من کتاب آداب تلاوت القرآن.
۵. همان منبع ص ۱۸۲.
۶. تفسیر و نقد و تحلیل متنوی، مرحوم محمد تقی جعفری، ۱۳۶۷.
۷. سیمای فرزانگان، رضا مختاری، ص ۱۵۹.
۸. پیام قرآن، ۸/۹۶۹۵ به نقل از تفسیر کشف، ۴/۴۰.
۹. قرآن کریم، سوره مبارکه الذاریات، آیه ۲۲.
۱۰. قرآن کریم، سوره مبارکه الذاریات، آیه ۲۳.
۱۱. نوار الهیه، مرحوم محمد تقی، ص ۳۰ و تفسیر روح نس، ۱۰/۴۹۵.
۱۲. پیام قرآن، ۸/۹۶۹۸ به نقل از تفسیر فی طلال القرآن، ص ۴/۴۳۲.
۱۳. برکرانه عصمت، غنی صغر ضحیری، ص ۵۲ و ۵۳ به نقل از گفتارهای مسموی مرحوم مطهری، ص ۲۲۶.
۱۴. قرآن کریم، سوره مبارکه، حدید، آیه ۱۶.
۱۵. فیلسوف شرق، محمدرضا جوادی، ص ۵۹.
۱۶. صحیفه سجادیه، دعای ۱۴۲، ختم قرآن.
۱۷. دیوان حکیم الهی قمشه ای، با انضمام و مقدمه، حسین الهی قمشه ای، ص ۴۰.

۲۹۵۱